

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده اندیشه سیاسی انقلاب و تمدن اسلامی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی

تحلیل نظریه عدالت اجتماعی معطوف به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ موانع و

راهبردها

استادان راهنما:

دکتر یحیی فوزی

دکتر فرهاد زیویار

استاد مشاور:

دکتر سید حسین حسینی

پژوهشگر:

آیت اله فیروزی

دی ۱۳۹۹

شکر شایان، نثار خداوند بزرگ که توفیق را رفیقِ راهم ساخت تا درباره قسط و عدل بنویسم.

از استاد گرامیم جناب آقای دکتر فوزی بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنمایی های ایشان تامین این پایان نامه بسیار مشکل می نمود. از استاد گرامی جناب آقای دکتر زیویار به دلیل یاری ها و راهنمایی های ایشان که بسیاری از سختی ها را برایم آسانتر نمودند، از استاد گرامیم جناب آقای دکتر حسینی بسیار سپاسگذارم چرا که با دقت نظر، نقایص این نوشتار را گوشزد کردند.

از پدر، مادر و همسر که تکیه گاه من در مواجهه با مشکلات هستند، و فرزندانم محمد جواد و محمد هادی که همواره در طول تحصیل متحمل زحماتم بودند، تشکر می کنم.

تقدیم به شهدای سرزمینم که برای برپایی عدالت به پا خاستند.

تقدیم به شهدای روستای اردجین (شهید محمد افضل گروسی، اباذر فیروزی، حسن رضا فیروزی، هاشم احمدی، حسن کردلو، اسماعیل گروسی، گرزعلی شاهسون، فضل الله فیروزی، ذولفقار احمدی، داود و منصور بیگلر، ناصر فیروزی، علی کردلو، حکمت گروسی، تقی و محمد لطیفی و داود عزیز الهی) دلتنگ از تمام روزها و زمان هایی که هستم ولی در کنار شما نیستم!

تقدیم به ثارالله، شهادت حماسی امام حسین (ع) در جدالی ظاهراً نابرابر در برابر ظلم نشان داد که به پا خواستن برای عدالت، پیروزی به بار می آورد.

چکیده

عدالت اجتماعی به عنوان داور ارزش ها از جایگاه ممتازی برخوردار است. عدالت شاخص حکومت اسلامی است و هیچ یک از ملاحظیات نمی تواند عدالت را تحت الشعاع قرار دهد. اما با وجود تاکیدات مذکور، درمقام عمل و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه با مشکلاتی مواجه هستیم. هدف پژوهش رسیدن به این پرسش است که موانع تحقق عدالت اجتماعی در ایران طی چهاردهه گذشته چه عواملی بوده است؟ چه راهبردهایی برای رفع موانع مذکور وجود دارد؟ در این پژوهش ابتدا تعاریفی از مفهوم عدالت در نزد اندیشمندان غربی و اسلامی از گذشته تا دوران معاصر ارائه شده و سپس برای رسیدن به شاخص مشخص، آراء و بنیان های اندیشه‌ای چهار تن از متفکران بزرگ معاصر، یعنی امام خمینی، شهید صدر، شهید مطهری و شهید بهشتی در باب عدالت اجتماعی تبیین شده است و سپس بر اساس این شاخص ها و با بهره گیری از الگوی تحلیل لایه ای علت ها و با روش ترکیبی به بررسی علل این چالش ها در چهار سطح تحلیل لیتانی، علی و تجربی، گفتمانی و اسطوره ای و نیز ارائه راهبردهای پیشنهادی برای مقابله با آنها در هر لایه پرداخته است. برای رسیدن به گزاره های علی و تجربی درباره موانع تحقق عدالت اجتماعی بیش از ۵۰ اثر مطالعه و از میان آنها و بر اساس روشمندی ۲۲ اثر و مصاحبه تحلیل مضمون شده است. در نهایت با توجه به شناسایی علل مذکور در هر لایه، راهبردهای در سطح گفتمان، ساختار و کارگزار مطرح شده است. یافته های پژوهش حاکیست: برای رسیدن به عدالت اجتماعی باید یک سازکار روشن داشته باشیم. بر اصلاح ساختاری و کارگزاری، قطع رانت و اصلاح نگرش گفتمانی به عنوان سازکارهای تحقق عدالت اجتماعی تاکید شده که در این میان اصلاح ساختاری از تاکیدات بیشتری برخوردار است. سالم شدن و سالم ماندن نظام وابسته به حضور رسانه‌های آزاد است. موانع تحقق عدالت اجتماعی در جامعه ما بیشتر ساختاری است و به همین دلیل باید مقابله با این معضل هم سیستمی شود. با انسجام درون حاکمیتی پیشنهاد شده یک فرماندهی واحد ایجاد شود تا نهادهای مختلف دستگاه اجرایی کشور درباره توزیع امکانات و فرصت ها برای تحقق عدالت اجتماعی منقطع عمل نکنند.

کلیدواژه ها: عدالت اجتماعی، برابری فرصت های اجتماعی، الگوی اسلامی ایرانی، روش تحلیل لایه

ای علت ها

فهرست مطالب

۱- فصل اول: کلیات پژوهش.....	۳
۱-۱- طرح مسئله	۶
۲-۱- اهمیت و ضرورت.....	۶
۳-۱- اهداف پژوهش.....	۶
۴-۱- سوال های پژوهش.....	۶
۱-۴-۱- سوال اصلی:.....	۷
۲-۴-۱- پرسش های فرعی پژوهش:	۷
۵-۱- فرضیه پژوهش.....	۷
۶-۱- بررسی پیشینه پژوهش.....	۷
۱-۶-۱- آثار مرتبط با چهارچوب مفهومی عدالت و عدالت اجتماعی	۷
۱-۶-۲- آثار مرتبط با اندیشه عدالت در غرب	۹
۱-۶-۳- آثار مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.....	۱۰
۱-۶-۴- منابعی درباره موانع عدالت اجتماعی در ایران.....	۱۱
۷-۱- تحلیل پیشینه.....	۱۲
۸-۱- روش پژوهش.....	۱۲
۹-۱- روش جمع آوری داده‌ها.....	۱۷
۲- فصل دوم: رویکردها و چارچوب مفهومی عدالت.....	۱۸
۱-۲- عدالت به مثابه انطباق و تعادل.....	۱۹
۲-۲- عدالت به مثابه فایده.....	۲۴
۳-۲- تفسیر کانتی از عدالت.....	۲۶
۴-۲- عدالت به مثابه قرارداد.....	۳۲
۵-۲- عدالت به مثابه برابری.....	۳۶
۶-۲- عدالت به مثابه حق.....	۳۶
۷-۲- جمع‌بندی.....	۴۰
۳- فصل سوم: شاخص های عدالت اجتماعی در الگوی ایرانی اسلامی	۴۳
۱-۳- عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی(ره).....	۴۴

- ۳-۱-۱. نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت..... ۴۵
- ۳-۱-۲. احکام اسلام برای تحقق عدالت..... ۴۵
- ۳-۱-۳. عدالت به مثابه تساوی و برابری..... ۴۷
- ۳-۱-۴. عدالت زمینه ساز توسعه مادی و معنوی..... ۴۸
- ۳-۱-۵. عدالت به مثابه احقاق حق..... ۴۸
- ۳-۱-۶. ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی..... ۴۹
- ۳-۲. عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مطهری..... ۵۱
- ۳-۲-۱. عدالت به مثابه رعایت استحقاق..... ۵۲
- ۳-۲-۲. عدالت در مسیر فطرت..... ۵۲
- ۳-۲-۳. شالوده شکنی سوسیالیسم و سرمایه داری..... ۵۶
- ۳-۲-۴. راههای تحقق عدالت..... ۵۷
- ۳-۳. عدالت اجتماعی در اندیشه شهید بهشتی..... ۵۸
- ۳-۳-۱. عدالت مرکز ثقل جامعه اسلامی..... ۵۹
- ۳-۳-۲. عدالت در مسیر عقلانیت..... ۵۹
- ۳-۳-۳. عدالت امری الهی نه قراردادی..... ۶۰
- ۳-۳-۴. عدالت به مثابه انصاف..... ۶۰
- ۳-۳-۵. راههای تحقق عدالت اجتماعی..... ۶۱
- ۳-۴. عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر..... ۶۲
- ۳-۴-۱. عدالت اجتماعی و ارکان آن..... ۶۵
- ۳-۴-۱-۱. عدالت به مثابه تکافل اجتماعی..... ۶۶
- ۳-۴-۱-۲. عدالت به مثابه توازن اجتماعی..... ۶۶
- ۳-۴-۱-۳. تأمین اجتماعی - سیاسی..... ۶۷
- ۳-۴-۲. راه های پیشنهادی صدر برای تحقق عدالت اجتماعی..... ۶۷

۶۸	۵-۳. جمع‌بندی.....
۷۰	۴. فصل چهارم: موانع لایه ای عدالت اجتماعی.....
۷۰	۴-۱. لیتانی یا مساله عینی عدالت اجتماعی در ایران.....
۷۰	۴-۱-۱. فقر و فاصله طبقاتی نامتوازن.....
۷۳	۴-۱-۲. توزیع نامتناسب و نامتوازن امکانات و فرصت ها.....
۷۵	۴-۱-۳. حقوق اجتماعی نامتوازن.....
۸۰	۴-۱-۴. رفع تبعیض و فساد.....
۸۳	۴-۲. تحلیل علل تجربی در تحقق نیافتن عدالت اجتماعی.....
۸۵	۴-۲-۱. ساز و کارهای تحقق عدالت اجتماعی در ایران.....
۸۸	۴-۲-۲. بازتولید ساختار رانتی در ایران.....
۹۲	۴-۲-۳. بی عدالتی محصول ساختار سیاسی و اقتصادی.....
۳۵	۴-۲-۴. ساخت سیاسی و اقتصادی نیرو محرکه بازتولید نابرابری‌های ناموجه.....
۹۵	۴-۲-۵. ضرورت اصلاحات ساختاری برای عملی کردن عدالت اجتماعی.....
۹۷	۴-۲-۶. دوگانه اقتصاد دستوری و اقتصاد آزاد.....
۹۸	۴-۲-۷. مسئولیت پذیری فردی برای کارآمدی نظام سیاسی و اقتصادی.....
۹۹	۴-۲-۸. نقش ساختار اصلی برای تحقق جامعه عادلانه.....
۱۰۱	۴-۲-۹. تأمین آزادی‌های اساسی و فراهم ساختن فرصت‌های برابر.....
۱۰۲	۴-۲-۱۰. رابطه‌ی رشد اقتصادی و فقر.....
۱۰۶	۴-۲-۱۱. نبود دغدغه عدالت.....
۱۱۳	۴-۲-۱۲. معضلی به نام "رانت نفت".....
۱۲۰	۴-۲-۱۳. جای خالی نظریه جامع عدالت اجتماعی.....
۱۲۵	۴-۲-۱۴. شکل نگرفتن جریان‌ات عدالت پژوهی.....
۱۲۵	۴-۳. سطح جهان بینی و گفتمان.....
۱۲۶	۴-۳-۱. عدالت اجتماعی در بستر مناسب گفتمانی.....

- ۲-۳-۴. نسخه مناسب زیست ایرانی اسلامی..... ۱۲۸
- ۳-۳-۴. چارچوب معرفت شناختی مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت..... ۱۲۸
- ۴-۳-۴. فقدان اجماع نظری درباره عدالت اجتماعی..... ۱۲۹
- ۵-۳-۴. نزاع خرده گفتمان ها در اسلام سیاسی..... ۱۳۰
- ۶-۳-۴. آشفتگی های زبان شناختی جریان های سیاسی- فکری ۱۳۵
- ۷-۳-۴. بلا تکلیفی نخبگان در سطح گفتمان..... ۱۳۶
- ۴-۴. سطح اسطوره ها و استعاره ها..... ۱۳۸
- ۱-۴-۴. ظرفیت های معنویت گرایی علوی در تحقق عدالت اجتماعی..... ۱۳۹
- ۲-۴-۴. تعارضات قدرت طلبانه در بروز فضای ناعدالتی..... ۱۳۹
- ۳-۴-۴. بی توجهی به الگوی علوی ۱۴۴
- ۴-۴-۴. بی توجهی به الگوی مهدوی..... ۱۵۵
- ۵-۴. جمع بندی
۵. فصل پنجم: راهبردها و نتیجه گیری..... ۱۶۸
- ۱-۵. موانع گفتمانی..... ۱۶۹
- ۱-۱-۵. داشتن نظریه جامع درباره عدالت اجتماعی ۱۶۹
- ۲-۱-۵. رفع تعارض ها و ابهام های گفتمانی درباره عدالت اجتماعی..... ۱۷۰
- ۳-۱-۵. فعلیت ظرفیت ها، استعدادها و شایستگی ها..... ۱۷۲
- ۴-۱-۵. رویکرد چند سویه به وجوه عدالت ۱۷۳
- ۲-۵. موانع کارگزاری..... ۱۷۳
- ۱-۲-۵. توافقی به حق و صبر در میان مسئولان..... ۱۷۳
- ۲-۲-۵. گزینش کارگزاران اصلح ۱۷۷
- ۳-۵. موانع ساختاری..... ۱۷۸
- ۱-۳-۵. توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات..... ۱۷۸

۱۷۹.....	۲-۳-۵. جهش تولید راهکاری برای درمان فقر.....
۱۸۱.....	۳-۳-۵. رفع محرومیت در مناطق محروم.....
۱۸۳.....	۴-۳-۵. بهبود روند توزیع درآمد برای کاهش نابرابری.....
۱۸۴.....	۵-۳-۵. فقر محصول ساختار قدرت.....
۱۸۵.....	۶-۳-۵. شفاف سازی برای مقابله با فساد.....
۱۸۶.....	۷-۳-۵. سازکار و برنامه روشن.....
۱۸۸.....	نتیجه گیری.....
۱۹۶.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جداول

۶۸.....	جدول ۱-۳: دیدگاه جامع متفکران انقلاب اسلامی درباره عدالت اجتماعی.....
۶۹.....	جدول ۲-۳: شاخص های عدالت اجتماعی.....
۷۲.....	جدول ۱-۴: ضریب جینی.....
۷۴.....	جدول ۲-۴: سهم هزینه های ناخالص سرانه.....
۷۸.....	جدول ۳-۴: شاخص های عمده بازار کار.....
۸۴.....	جدول ۴-۴: بررسی آثار منتشره درباره عدالت اجتماعی.....
۱۵۹.....	جدول ۵-۴: نتیجه بررسی آثار منتشره درباره عدالت اجتماعی.....
۱۸۷.....	جدول ۱-۵: راهبردهای رفع موانع تحقق عدالت اجتماعی.....

پیشگفتار

انقلاب اسلامی تجربه چهار دهه شعار عدالت را سپری کرده است و اکنون که با رویکرد به آینده و سند چشم‌انداز، در پنجمین دهه انقلاب، مصمم است گام دیگری طی نماید، نیاز به ترسیم نقشه راه و تعیین استراتژی منطبق بر تحولات موجود و در نهایت الگوسازی است. مسئله امروز جامعه، تعیین الگوی پیشرفت همراه با عدالت اجتماعی است که اولاً قادر به حل چالش‌های نظری در این عرصه باشد و همچنین بتواند با ارائه مدل مطلوب، مبتنی بر مقتضیات اسلامی – ایرانی قادر به تحقق عدالت اجتماعی شود. لذا در این نوشتار ضمن تأکید بر ضرورت توجه جدی به تحقق عدالت اجتماعی به عنوان عامل مهم در حل مسائل کشور و اذعان به اینکه رویکردهای متفاوت به مقوله عدالت و توسعه باعث پیدایش چالش‌های متعددی در جامعه گردیده است، تلاش خواهد شد با توجه به مؤلفه‌های مؤثر بر تحقق عدالت اجتماعی در محتوای اسلامی و در ظرف ایرانی بررسی شود. عدالت خواهی از اهداف بلند انقلاب اسلامی است تا جایی که به تعبیر رهبران جمهور اسلامی تامین عدالت موضوع اساسی انقلاب اسلامی بوده است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان مانیفست انقلاب اسلامی در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی دانست که نقشه راه انقلاب اسلامی به حساب می‌آید و تمسک به آن می‌تواند چراغ راه آینده کشور باشد. مخاطبان اصلی این بیانیه همانطور که با صراحت در آن اشاره شده جوانان ایران زمین اند که آینده روشن نظام اسلامی به دست آنان محقق گردیده و تداوم راه طی شده به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی توسط ایشان دنبال خواهد شد. در میان توصیه‌های هفت‌گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور اختصاص به «عدالت و مبارزه با فساد» دارد. مبتنی بر این بند: «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومتها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظام‌ها است. از نظر رهبر انقلاب، عدالت اجتماعی بر ارکانی استوار است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاستگذاران در پی ریزی بنیان‌ها و سازمان‌های اجتماعی باید همواره آنها را مد نظر قرار دهند. عدالت اجتماعی به معنای برابری مناسبات اقتصادی و اجتماعی در رهنمودهای سالهای اخیر ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. چندین بار در سالهای اخیر مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف از ضرورت حرکت پویا در خصوص عدالت اجتماعی سخن به میان آورده‌اند. حتی صریحاً اعلام کردند که نمره مطلوبی در باب عدالت به دست نیاورده‌ایم. این واقعیت ناخواسته باید همه را به تلاش فکری و عملی در باب معیشت طبقات ضعیف، به مثابه‌ی اولویت، وادار سازد. می‌توان راهبرد نوشتار حاضر را در این راه دانست. پژوهش حاضر از آنجا اهمیت دارد که از روش لایه‌ای علت‌ها استفاده کرده است. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به فراسوی چارچوب‌های متعارف تعریف موضوع و مساله می‌رود. مثلاً در تحلیل‌های رایج دانشگاهی بیشتر در سطح علی و تجربی باقی می‌ماند و گاهی اوقات هم نیم‌نگاهی به سطح گفتمان می‌کنند اما به ندرت کسی وارد سطح استعاری می‌شود. اما در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها هیچ‌یک از سطوح امتیاز خاصی به دیگری ندارد. در واقع بواسطه حرکت بالا به پائین و پائین به بالا در بین این سطوح چهارگانه تحلیل و سنتز، گفتمان‌ها، شیوه‌های دانستن و جهان بینی‌ها یکپارچه شده و بنابراین بر غنا و پرمایگی تحلیل افزوده می‌شود. نتایج چنین تحلیلی غالباً آنقدر متفاوت هستند که می‌توان هر یک از آنها را در قالب یک سناریوی بدیل ارائه داد. هر سناریو در واقع معرف یک شیوه متفاوت دانستن آینده است. این پژوهش در پنج فصل ارائه می‌شود. ابتدا تعاریفی از مفهوم عدالت در نزد اندیشمندان غربی و اسلامی از گذشته تا دوران معاصر ارائه می‌گردد و سپس آراء و بنیان‌های اندیشه‌ای چهار تن از متفکران بزرگ معاصر، یعنی امام خمینی، شهید صدر، شهید مطهری و شهید بهشتی در باب عدالت اجتماعی تبیین می‌شود و سپس با بهره‌گیری از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها و با روش ترکیبی به بررسی علل

این چالش‌ها در چهار سطح تحلیل لیتانی، علی و تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای و نیز ارائه راهبردهای پیشنهادی برای مقابله با آنها در هر لایه پرداخته است. در یافته‌های پژوهش در فصل چهارم ۵۰ اثر درباب عدالت اجتماعی دیده شده و بیش از بیست اثر و مصاحبه نیمه ساختمند تحلیل مضمون شده است. در نهایت با توجه به شناسایی علل مذکور در هر لایه، راهبردهای در سطح گفتمان، ساختار و کارگزار مطرح شده است.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱. طرح مسئله

عدالت از برجسته ترین فضیلت ها و ارزش ها در جوامع اسلامی است و در قرآن کریم نیز مهمترین هدف بعث انبیاء اقامه عدالت ذکر شده است. هر یک از انبیا که آمدند برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که عدالت را در عالم اجرا کنند. عدالت صرفاً ارزش مهمی در میان ارزش های دیگر نیست که در صورت لزوم سنجیده شود؛ بلکه عدالت قائم به خود و معیار و وسیله سنجش ارزش های دیگر است. همچنین عدالت اجتماعی نسبت به ارزش های اجتماعی دیگر منفصل و اولویت نخست است و به عنوان داور ارزش ها از جایگاه ممتاز برخوردار است. عدالت اصل و معیار و ملاک اساسی است که تمام جوانب و زندگی بشر بر آن مبتنی است. عدالت امری حقیقی است و نمی تواند بر اساس قرار یا توافق باشد بلکه تمام قرار ها و توافق ها و رسوم بر آن اتکا دارد. عدل در اسلام همدوش توحید، معاد، نبوت و امامت و معیار کمال فرد و سلامت جامعه است. در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و از امامت تا آرمان های فردی و اجتماعی و هدف های اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده است. ویژگی منحصر به فرد دیدگاه برگرفته از وحی این است که عدالت در میان انسانها هماهنگ با واقعیت های خلقت بوده و آفرینش نیز هدفمند است لذا چنانچه قدرت علمی انسان نتواند برخی از اهداف حیات بشری را کشف نماید و در عین حال علم به آنها و عمل بدان اصول در رسیدن انسان به زندگی عادلانه و سعادت مند موثر باشد بی گمان خداوند متعال از طریق وحی، انسانها را هدایت خواهد کرد در

حالی که در دیدگاه های غیردینی این مشکلات پیچیدگی های غیرقابل حلی پیدا می کند. هیچ امری در اسلام نیست مگر اینکه هدف آن تحقق عدالت در حیات اجتماعی بشر است. شهید مطهری در باب اهمیت عدالت می گوید: کلام اسلامی بیش از هر چیزی به مساله عدل پرداخت، فقه اسلامی قبل از هر چیزی مساله عدل برایش مطرح شد و در جهان سیاست اسلامی بیش از هر کلمه ای، کلمه عدل به گوش می خورد. عدالت مهمترین عامل پایداری حکومت ها است. تحولات بنیان برافکن اجتماعی دنیا همیشه از بی عدالتی نشات گرفته است بنابراین عدالت عالی ترین و جامع ترین مفهومی است که در فرهنگ بشر به وجود آمده است. عدالت به چند دلیل اهمیت دارد: عدالت امری فطری و عقلانی است. عدل و قسط در وجود و ذات انسان ریشه دارد و انسان ذاتاً از تبعیض رویگردان است. از طرفی تمام احکام اسلام بر عدالت به عنوان صفت الهی متکی است و هدف ارسال پیامبران برقرار عدالت است. بنابراین عدالت شاخص حکومت اسلامی است و هیچ یک از ملاحظات نمی تواند عدالت را تحت الشعاع قرار دهد. با تحقق عدالت، زمینه محیط امن و آرام فراهم می شود و باعث شکوفایی استعدادها و خلاقیت ها در تمام حوزه های فکری و عملی می شود.

عدالت اجتماعی یکی از مصادیق عدالت است که حوزه آن پهنه اجتماع می باشد. قلمرو بحث عدالت اجتماعی، محصور به حصار دولت - ملت است؛ یعنی سخن در ترسیم ساختار عادلانه جامعه ای است که دولت و سرزمین مشخص دارد و می خواهد همکاری اجتماعی درون آن جامعه و نهادهای موجود در آن و توزیع امکانات و فرصت ها و وظایف و حقوق بر اساس اصول و معیارهای عادلانه ترسیم شده باشد. بر این اساس شاخص هایی همچون تامین حقوق سیاسی - اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، لزوم برابری همه در برابر قانون، ضرورت قضاوت عادلانه، برابری فرصت های اجتماعی برای همه سطوح و تحقق حکومت عدل در جامعه از موارد عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی تجلی بروز عدالت در عرصه اجتماعی است که جایگاه مهمی در اندیشه متفکران انقلاب اسلامی داشته است و در عرصه نظری، عدالت اجتماعی از عناصر جوهری گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می شود بطوریکه اگر عدالت اجتماعی را در گفتمان انقلاب کم رنگ در نظر بگیرد صیرت انقلاب اسلامی بی معنا و تهی است. رهبر انقلاب اسلامی بارها فرموده اند اگر به دنبال پیشرفت و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم، پیشرفتی مورد تایید است که با عدالت پیوند خورده باشد. پیشرفتی که در آن عدالت نهادینه نشده باشد از نظر تفکر اسلامی پیشرفت درست و واقعی نیست.

اما با وجود تاکیدات مذکور، در مقام عمل و تحقق عدالت در جامعه با مشکلاتی مواجه هستیم و هنوز در تامین حقوق سیاسی - اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، و برابری فرصت های اجتماعی برای همه سطوح

و تحقق حکومت عدل در جامعه که از موارد عدالت اجتماعی محسوب می شوند دارای کاستی های مهمی می باشیم یکی از شاخص هائی که تا حدی می تواند این نابرابری ها را نشان دهد ضریب جینی و مقایسه دهک های مختلف درآمدی در کشور است که شکاف طبقاتی و میزان بهرمندی اقشار مختلف از فرصت ها را نشان می دهد. مطابق داده های مرکز آمار، ضریب جینی در سال ۱۳۹۷ معادل ۰/۴۰۹۳ بوده است که نسبت به دهه قبل افزایش یافته است. ضریب جینی هر چه به صفر نزدیک تر باشد، نشان دهنده برابری بیشتر و هر چه به عدد یک نزدیک شود، نشان دهنده تشدید نابرابری است. همچنین بر اساس گزارش مرکز آمار: ۱۰ میلیون نفر پردرآمد جامعه بیش از ۱۴ برابر ۱۰ میلیون نفر کم درآمد جامعه هزینه می کنند. بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۷، به طور متوسط ۳۲/۵ درصد از هزینه های کل در دهک ثروتمند ثبت شده است. این در حالی است که در دهک کم درآمد این رقم به ۲/۲۵ درصد می رسد. همه این موارد به شکاف طبقاتی دامن می زند آمارهای موجود همچنین نشان می دهد که . بیشترین سپرده بانکی نوعا در اختیار دهک های بالای درآمدی است که نشان دهنده نابرابری توزیع درآمد میان دهک ها تلقی می شود. و نشان می دهد که عدالت اجتماعی در ایران به شکل مطلوبی به پیش نرفته و این نیازمند آسیب شناسی جدی است. در چهل سال گذشته، تولید ناخالص داخلی با یک شیب بالا در حال افزایش است اما منحنی عدالت اجتماعی رو به پایین است.

با توجه به این مناقشه رویکردهای مختلفی درخصوص چرائی کاستی ها در زمینه تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد از یکسو برخی ضعف نظریه و تئوری درباب عدالت را علل این کاستی ها می دانند و برخی عوامل ساختاری و برخی دیگر عوامل ارادی را در این کاستی ها دخیل می دانند به بیان دیگر معتقدند که علاوه بر مناقشات در حوزه نظری، به مناقشه ساختار و کارگزار هم باید توجه کرد. و نادیده گرفتن عوامل ساختاری بدون توجه به ویژگی های کارگزاران، نمی تواند فهم واقع بینانه ای از عدالت اجتماعی و کاستی های آن بدهد.

اما بسیاری از این نوع صورتبندی ها از مسئله والگوهای توصیف و تحلیل که به برخی از آنها در بالا اشاره شد دعاوی ناتمامی هستند که اضلاع و ابعاد آنها مورد مذاقه لازم و تحلیل و راستی آزمائی روشمند قرار نگرفته است و نوعی ساده سازی مسئله محسوب می شوند که با نوعی تقلیل گرائی اجازه نمی دهند تا همه ابعاد این موضوع دیده شود و مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد این درحالی است که برای ارائه هر نوع راهبرد آینده، نیازمند تحلیل جامع از وضعیت گذشته و حال و ارائه شواهد و استدلالهای بیشتری در تصویر مناسب جامع و دقیقی از اصل مناقشه می باشیم.

لذا در تحقیق حاضر ضمن مرور و بررسی ابعاد این مناقشه، وضعیت و پیچیدگی های آن با روش تحلیل لایه ای علتها، مطالعه می شود تا بتوان به فهم عمیق تری از چرایی تداوم این وضعیت دست یافت در این راستا اولاً با نگاهی چند وجهی مبتنی بر لایه های مختلف شکل دهنده واقعیت، به تبیین واقع بینانه تری از مسئله چالش عدالت اجتماعی در ایران را ارائه کنیم و با فرارفتن از سطح و تعیین روابط بین علت‌های ریشه ای مختلف مسئله، به رمز گشایی از حال و گذشته این چالشها پردازیم تا بتوان با شناسایی ظرفیت ها، سناریوهای مختلف برون رفت از این وضعیت را مطالعه کرده زمینه را برای طرح راهبردهائی جهت خلق آینده های بدیل برای وضعیت موجود فراهم سازیم.

۱-۲. اهمیت و ضرورت

انقلاب اسلامی تجربه چهار دهه شعار عدالت را سپری کرده است و اکنون که با رویکرد به آینده و سند چشم‌انداز، در پنجمین دهه انقلاب، مصمم است گام دیگری طی نماید، نیاز به ترسیم نقشه راه و تعیین استراتژی منطبق بر تحولات موجود و در نهایت الگوسازی است. لیکن تحقق این امر منوط به تعیین مسئله اصلی جامعه‌ی اسلامی است. با گذشت چهاردهه و نتایج حاصل از تجارب آن، می‌توان ادعا نمود این انقلاب یک نوآوری بنیادی به شمار می‌رود که حاصل آن در قلمرو عدالت قابل مشاهده است. مسئله امروز جامعه، تعیین الگوی پیشرفت و توسعه همراه با عدالت است که اولاً قادر به حل چالش‌های نظری در این عرصه باشد و همچنین بتواند با ارائه مدل مطلوب، مبتنی بر مقتضیات اسلامی - ایرانی قادر به تحقق عدالت شود. لذا در این نوشتار ضمن تأکید بر ضرورت توجه جدی به تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی به عنوان عامل مهم در حل مسائل کشور و اذعان به اینکه رویکردهای متفاوت به مقوله عدالت و توسعه باعث پیدایش چالش‌های متعددی در جامعه گردیده است، تلاش خواهد شد با توجه به مؤلفه‌های مؤثر بر تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی، پارادایم اسلامی - ایرانی پیشرفت بررسی شود. وضعیت مسلمانان در کشورهای اسلامی نیز نه تنها ضرورت بررسی این مسئله را آشکار می‌سازد بلکه پیدا کردن راه‌های تحقق عدالت را نیز می‌طلبد. در جامعه اسلامی این امر مهم و قابل توجه است. از طرفی عدالت خواهی از اهداف بلند انقلاب اسلامی است تا جایی که به تعبیر رهبران جمهور اسلامی تامین عدالت موضوع اساسی انقلاب اسلامی بوده است. برای رسیدن به عدالت باید مبنای روشن و الگویی معین در نظر گرفت.

۱-۳. اهداف پژوهش

- تقویت ادبیات مرتبط با عدالت معطوف به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- تبیین چرایی کاستی‌ها در تحقق عدالت اجتماعی در سال‌های بعد از انقلاب
- ارائه راهبردها در خصوص چگونگی عملیاتی کردن عدالت اجتماعی

۱-۴، سوال های پژوهش

۱-۴-۱. سوال اصلی:

- موانع تحقق نظریه عدالت اجتماعی در ایران چه عواملی بوده است؟ چه راهبردهایی برای رفع موانع مذکور بر اساس الگوی ایرانی اسلامی وجود دارد؟

۱-۴-۲. پرسش های فرعی پژوهش:

- عدالت اجتماعی در اندیشه متفکران انقلاب اسلامی چگونه صورتبندی شده است؟ و چه بنیان هایی دارد؟

- چه عوامل ساختاری و کارگزاری در کاهش موفقیت در تحقق عدالت اجتماعی طی چهاردهه گذشته نقش داشته اند؟

- موانع گفتمانی و نظری تحقق عدالت اجتماعی چه مواردی بوده اند؟

- چه راهبردهایی برای کاهش موانع نظری و عینی مذکور جهت تحقق عدالت اجتماعی در ایران می توان ارائه داد؟

۱-۵. فرضیه پژوهش

فرضیه این پژوهش آن است که تحقق عدالت از یکسو تحت تاثیر گفتمان های مختلف در خصوص عدالت و عدم انسجام و ارائه نظریه متقن در خصوص عدالت اجتماعی و از سوی تحت تاثیر موانع عینی یعنی کارگزاری و ساختاری در جامعه ایران است و هرگونه راهبردی برای کاهش کاستی ها نیازمند ارائه تحلیل چند لایه ای از این موانع و ارائه بسته جامع جهت حل مشکل مذکور است.

۱-۶. بررسی پیشینه پژوهش

در بین آثار در دسترس دربانکهای اطلاعاتی مانند پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، مگیران و ایرانداک و کتابخانه ملی ایران آثار مختلفی وجود دارد که مرتبط با این پژوهش است و می توان آنها را در چند دسته زیر طبقه بندی کرد.

۱-۶-۱. آثار مرتبط با چهارچوب مفهومی عدالت و عدالت اجتماعی

- "بنیادهای عدالت فضیلت مند و الگوی ایرانی اسلامی عدالت" (۱۳۹۷) قزلسغلی: آنچه که در این پژوهش بررسی شده، تلاشی است جامع از یک سو برای نشان دادن این مهم که نگرش های قدیمی و رایج از عدالت

روی هم رفته نارسا هستند و همسو با آن ارائه الگویی از عدالت فضیلت مند است. این پژوهش کلی بوده و با نگاه کاربری به اندیشه عدالت پرداخته نشده است. پژوهش حاضر در پی ارائه الگویی متناسب با مبانی اندیشه عدالت در جهان اسلام همسو و مقوم زیست ایرانی اسلامی است.

- "گفتارهایی در عدالت اجتماعی" (۱۳۹۵) عادل پیغامی، محمد صادق تراب زاده جهرمی و سید علیرضا سجادیه: این پژوهش بیشتر دنبال تحلیل اثباتی نظریه های عدالت است. این پژوهش دنبال نظریه کلان بوده و با نگاه کاربردی به اندیشه عدالت پرداخته است.

- "عدالت از دیدگاه اجتماع‌گرایان و رهیافت‌های آن برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" (۱۳۹۵) شجاعیان: در این نوشتار دکتر شجاعیان بر نظریه عدالت سندل تاکید می‌کند و در پی بازسازی تئوریک خصائص محوری عدالت از دیدگاه سندل است. وی به چند نکته توجه ویژه ای کرده است: موضوع عدالت در فلسفه سیاسی علاوه بر اینکه سابقه‌ای به اندازه تاریخ فلسفه سیاسی از یونان باستان تاکنون داشته است. در فلسفه سیاسی معاصر مخصوصاً در دهه‌های پایانی قرن بیستم عرصه منازعات نظری گسترده بوده است و این منازعات همچنان بخش قابل توجهی از فلسفه و نظریات سیاسی معاصر را به خود اختصاص داده است. و از همه مهمتر به عدالت سندلی از آنجا که به موضوع تکرر و تنوع اجتماعات و فرهنگ‌های مختلف توجه دارد و آن را در نظریه‌پردازی در باب عدالت کاملاً لحاظ می‌کند. هر چند عدالت سندلی با روش انتقادی به رویکرد لیبرالیسم قابل تامل است اما نمی‌توان این نسخه را مناسب زیست ایرانی اسلامی پیچید.

- "نقد و بررسی نظریه های عدالت" (۱۳۹۳) واعظی: مولف در این اثر به بررسی نظریه عدالت اجتماعی در مکاتب مختلف و نقد آنها پرداخته است. این کتاب جزعی از تحقیق را پوشش می‌دهد و می‌توان از این اثر در بخش توصیف و نقد نظریه های موجود عدالت استفاده کرد. اما نوشتار حاضر به مولفه ها و موانع تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی در جامعه متناسب با الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت می‌پردازد.

- "نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی(ره) و شهید صدر" (۱۳۸۰) جمشیدی: نویسنده نظریه عدالت را از دید سه اندیشمند بررسی کرده است. می‌توان از مباحث این اثر در بخش نظریه عدالت از دید اندیشمندان جهان اسلام استفاده کرد اما این بخشی از موضوع ما را پوشش می‌دهد. پژوهش حاضر به جای توصیف نظریاتی با روش داده بنیاد در پی مدل و الگوی مناسب نظری مبتنی بر الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت است.

- مفهوم، مبانی و شاخص‌های اصلی عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی (۱۳۹۴) سید محمد اصغری در این نوشتار به سه محور مبارزاتی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند که در انقلاب های سوسیالیستی و لیبرالی کم رنگ دیده می‌شود. تمرکز "قدرت، ثروت و معرفت" در طول تاریخ همواره موجب ستم و انحصار بوده است. انقلاب اسلامی ایران، علیه تمرکز هر سه محور بوده است. این خیزش‌ها، در هر یک از عرصه‌های یاد شده

چهره نموده باشد، آرمان عدالت اجتماعی محور و مدار اصلی مطالبات نهضت‌های الهی و مردمی بوده است. حیات و دیرپائی نظام اسلامی آما، نشان روشنی از تکیه و تاکید این آئین مقدس بر عدالت و دادگری اجتماعی دارد. در نظام اسلامی، نه تنها "فرد" که "جامعه" هم دارای اصالت و شخصیت است. افزون بر این، در آئین مقدس اسلام، سه ارزش عظیم معنویّت (عرفان)، عدالت و آزادی، هماهنگ و همراه و متکامل‌اند. آزادی منهای عدالت، یا عدالت بدون آزادی، یا این هردو، بدون ابتناء بر توحید و آزادی درونی، ناتمام محسوب می‌شوند و این نگرش در تعریف عدالت و حق و دادگری اجتماعی و مبنا و هدف حقوق و فلسفه سیاسی، ایفای نقش می‌کند. در این نوشتار می‌توان از این رویکرد استفاده کرد.

۱-۶-۲. آثار مرتبط با اندیشه عدالت در غرب

- "نظریه ای درباره عدالت"، ۱۹۷۱، کتاب جان رالز در دوره معاصر درباره عدالت پیشنهاد است. این کتاب انعکاس بین‌المللی پرسرو صدایی داشت. رالز در این اثر، با نظریه‌های حق طبیعی و مدنی قرارداد و بویژه اندیشه‌های کانت پیوند برقرار ساخته است. وی در تأملات خود ملهم از اندیشه وضعیت طبیعی در آرای روشنگران، وضعیتی به نام «وضعیت اولیه» را به تصور درمی‌آورد. تلاش رالز این بود که از هر نوع قضاوت درباره ماهیت خیر و محتوای اهداف و غایات افراد پرهیز کند. به عبارت دیگر، هدف لیبرالیسم وظیفه‌گرایانه رالز این بود که بر هیچ نظریه خاصی درباره فرد مبتنی نباشد و ماهیت تعیین شده خاصی را به فرد نسبت ندهد. اما رالز در تلاش خود ناموفق است و نظریه‌اش برداشتی بین‌الذنهانی از فرد مبتنی است. به عبارت دیگر، دیدگاه رالز با وجود ادعایش، حاوی نوعی فردگرایی عمیق است که در خلال آن قضاوت‌های محتوایی درباره هویت فرد صورت می‌گیرد و اهداف و غایات خاصی به فرد نسبت داده می‌شود.

- لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت^۱، ۱۹۹۸، سندل، مایکل به دلیل انتقادات بنیادین بر لیبرالیسم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب عموماً به عنوان یکی از مهمترین نقدهای معاصر بر نظریه عدالت لیبرال در نظر گرفته می‌شود که بر فلسفه سیاسی معاصر به ویژه در زمینه نظریه عدالت تأثیرات قابل توجهی داشته است. سندل به نقد بنیادین نظریه لیبرالیسم معاصر، به ویژه یکی از مهمترین فلاسفه سیاسی خط مقدم لیبرالیسم یعنی جان رالز می‌پردازد. سندل فیلسوف معاصر تلقی رالز از «خیر» را نادرست می‌داند و می‌گوید: تلقی نادرست از خیر به مثابه «ارضاء برابر ترجیحات به صورت بلاضابطه و بدون توجه به ارزش آنها» موجب تنزل جایگاه اخلاقی خیر شده و این امر، جایگاه عدالت را زیر سؤال می‌برد. سندل معتقد است نقاط ضعف رالز،

^۱ A Theory of Justice

^۲ Liberalism and the Limits of Justice

نشان دهنده نقایص لیبرالیسم است. سندل نه تنها عدالت رالزی بلکه همه نویسندگان لیبرال معاصر را که در رویکردشان لیبرالیسم با رالز مشترک بوده‌اند را نقد کرده است.

- کدام عدالت؟ کدام عقلانیت؟^۳ مک اینتایر در این کتاب ضمن نفی مفهومی از عقلانیت - که تلاش می‌کند آن را فراتر از وابستگی هر نوع استدلالی به اقتدار سنت نشان دهد - معنای خیر در سنت توماسی - ارسطویی را معقول‌تر از معنای آن در سایر سنت‌ها اعلام می‌کند. سرخوردگی مک اینتایر از لیبرالیسم، گسترده‌تر و عمیق‌تر از دیگر منتقدان غربی است؛ گسترده‌تر از آن جهت که وی از هر دو جناح چپ و راست ناخشنود است و عمیق‌تر از آن روی که او شکست‌های لیبرالیسم را تا خاستگاه‌های آن در عصر روشنفکری پی می‌گیرد و بی‌عدالتی دولت‌های جدید را ناشی از اصل هویت این دولت‌ها می‌داند. مک اینتایر سعی می‌کند نشان دهد که آن وضع نخستین رالز، فرضی نادرست و نامعقول است و به همین روی هر نتیجه‌گیری که بر مبنای آن فرض باشد، باید کنار نهاده شود. مک اینتایر تلاش می‌کند نشان دهد که کجای مقدمات رالز بر خطاست. مک اینتایر می‌گوید آزادی بی‌قید و شرط انسان از هر جهت، بیشتر به آزادی ارواح شبیه است. انسان‌ها درون تقیدات اجتماعی به دنیا می‌آیند و درون آن نیز از دنیا می‌روند. هیچ انسانی هرگز نمی‌تواند خود را از این وضع برهاند. در بین فیلسوفان غربی عده‌ای معدود هستند که با نگاه انتقادی به این فرهنگ می‌نگرند و معتقدند غرب اینک دچار چالش‌های جدی فرهنگی و اخلاقی است. مک اینتایر فیلسوف اخلاقی است که چنین رویکردی به دنیای غرب دارد. او معتقد است که دنیای غرب اینک به شدت دچار نابسامانی اخلاقی است و معیارهای تشخیص نیک و بد را از دست داده است. برای ما که در فرهنگی دیگر زندگی می‌کنیم اگر بخواهیم اخلاق مغرب‌زمین را نقد کنیم بسیار حائز اهمیت است که نقدهای چنین فیلسوفانی را بررسی و دیدگاه‌هایشان را عرضه کنیم. دستمایه‌هایی که برای نقد فرهنگ غرب از این مسیر به دست می‌آید بسیار غنی و قابل توجه است، به دلیل اینکه چنین فیلسوفانی عموماً شناخت عمیقی نسبت به فرهنگ خودشان دارند.

۱-۶-۳. آثار مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

- "سه محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه و تمرکز زدایی، عدالت" (۱۳۹۰) رحمانی: این تحقیق مفهوم عدالت و توسعه را بیشتر از نگاه اقتصادی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بررسی کرده است. این پژوهش از بعد سیاسی و اجتماعی به مقوله عدالت نمی‌پردازد.

- "پیش طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" (۱۳۹۰) احمدی: این اثر به موضوعاتی مانند تعریف و ویژگی‌های الگوهای مورد انتظار و نحوه دستیابی به الگوی پیشرفت، وجوه تشابه و تفاوت توسعه و پیشرفت پرداخته است. در مبحث تفاوت توسعه و پیشرفت می‌توان از این پژوهش بهره گرفت.

^۳ Whose Justice? Which Rationality

- " نقش اصلاح نظام مالیاتی در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت " ۱۳۹۵، احمد جعفری صمیمی به توسعه نظام مالیاتی به عنوان یکی از محورهای اساسی توسعه اقتصادی کشور نگاه می کند. در این تک‌نگاشت نقش اصلاح نظام مالیاتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. وضعیت نظام مالیاتی کشور و نقاط ضعف و قوت آن و ارائه راهکارهایی برای رسیدن به اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و برنامه توسعه پنجم با توجه به درآمدهای نفتی بررسی شده است. کارکردهای مالیات در کشور و چالش‌های آن به بررسی اهم اقدامات صورت گرفته در سال‌های اخیر و برنامه‌های آتی برای توسعه نظام مالیاتی کشور پرداخته شده است. آقای جعفری در کل نگاه اقتصادی دارد اما می توان با نگاه اجتماعی به اصلاح مالیات و نقش آن در کم کردن شکاف طبقاتی و اجتماعی از این نوشتار استفاده کرد.

- " سرمایه‌ی اجتماعی عدالت‌محور در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای و کاربری آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت "، ۱۳۹۴، پایان نامه دکتری محسن ردادی با راهنمایی اصغر افتخاری در دانشگاه امام صادق: رساله‌ی حاضر با طرح این سوال که "عناصر و مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی عدالت‌محور در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای چیست و کاربری آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارای چه ملاحظاتی است؟" در پی کاربردی کردن اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. با مرور نظریه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی به این جمع‌بندی رسیده که سرمایه اجتماعی دارای چهار مولفه و عنصر شامل "شبکه‌های ارتباطی"، "هنجارهای متقابل"، "مشارکت" و "اعتماد" است. بخش عمده‌ای از رساله به یافتن مضامین مرتبط با این چهار عنصر در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی اختصاص داده شده است. علاوه بر استخراج مضامین مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی به مضمون‌های مرتبط با "عدالت" نیز در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی توجه شده است. ما در این رساله علاوه بر پرداختن به بعد نظریاتی به بحث ساختار و کارگزار هم توجه می کنیم و با روش تحلیل لایه ای به یک مدل و الگو می رسیم اما می توان با استفاده از این نوشتار و با تلفیق مضامین مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی و مضامین مربوط به عدالت که همگی از اندیشه رهبری انقلاب اسلامی استخراج شده‌اند به برخی از راهبردها و ملاحظاتی دست پیدا کرد.

۱-۶-۴. منابعی که درباره موانع عدالت اجتماعی در ایران منتشر شده است

برخی منابع درباره موانع عدالت اجتماعی در ایران نوشته شده که قابل تامل است و در بخش علی و تجربی به آنها پرداخته می شود. در اینجا به صورت خلاصه اشاره می شود: مقاله «ساز و کارهای تحقق عدالت اجتماعی در ایران؛ یک رویکرد آسیب‌شناسانه» از دکتر مسعود نیلی، دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، مقاله بازتولید ساختار رانتی در ایران به قلم نسرين قنواتی، مجید وحید، احمد ساعی و سید علیرضا ازغندی در فصلنامه راهبردی سیاست گذاری عمومی منتشر شده است، مقاله ای با عنوان "فقر و

ساختار قدرت در ایران" به قلم حسین راغفر عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا که در پورتال علوم انسانی منتشر شده است، کتابی با عنوان "عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران به قلم فرشاد مومنی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی که انتشارات نقش و نگار منتشر کرده است، این کتاب علل بی‌توجهی به موضوع عدالت اجتماعی، راهکارهایی برای پررنگ کردن آن و در نهایت رویکردهای نیل به عدالت اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهد، کتاب دیگری که به عدالت اجتماعی و نابرابری‌ها در ایران پرداخته، کتاب "سقف شیشه‌ای عدالت اجتماعی (جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی)" که به قلم هدایت خسروی نوشته شده است، پژوهش دیگری که برای دسترسی به علل تجربی سازکارهای عدالت اجتماعی پرداخته، کتاب «اقتصاد و عدالت اجتماعی» به قلم مسعود نیلی، محمد طیبیان، موسی غنی نژاد که نشر نی منتشر کرده است. پژوهش دیگری که به سازکار عدالت اجتماعی در ایران پرداخته با عنوان "بررسی گفتمان عدالت اجتماعی و موانع دست‌یابی به آن از نظر اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران" به قلم زینب اختری و ابوالفضل ذوالفقاری که "اسلام و مطالعات اجتماعی" تابستان ۱۳۹۶ منتشر کرده است، پژوهشی با عنوان "چالش‌های نظری عدالت اجتماعی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران" هم به قلم غلام رضا بهروز لک، غلام رضا ضابط پورکاری که در فصلنامه علوم سیاسی در بهار ۱۳۹۱ منتشر شده است.

در این پژوهش آمده که تحقق عدالت اجتماعی در طی چند دهه گذشته با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبه‌رو شده است و با این پرسش شروع شده که چالش‌های مهم نظری در باب عدالت اجتماعی در گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران چیست؟ نویسندگان پژوهش مورد بررسی معتقدند که عدم تعمیق مفهوم عدالت اجتماعی، فقدان اجماع نظری درباره مفهوم عدالت اجتماعی بین دولت‌مردان، و بی‌قراری، گسست و عدم تداوم عدالت اجتماعی در گفتمان‌های جمهوری اسلامی، از چالش‌های مهم در این بحث به شمار می‌آید.

۷-۱. تحلیل پیشینه

در مجموع علیرغم وجود آثارمختلف درحوزه‌های مذکور، درخصوص جایگاه و به صورت خاص موانع تحقق عدالت اجتماعی معطوف به الگوی اسلامی ایرانی کارهای انجام شده اما بیشتر به سطح پرداخته شده است و در سطح علی و تجربی، گفتمانی و استعاری آثاری شاخص دیده نمی‌شود. لذا کمبود وافر اثر علمی در این موضوع، ضرورت این تحقیق و از طرفی اهمیت این پژوهش را روشن‌تر می‌سازد.

۸-۱. روش پژوهش